

من يرد الله به خيراً يفقهه
في الدين.

(حديث شريف)

"کسی که خداوند به او اراده خیر فرماید
اورا در امور دین داشتمند می سازد"

فقه

اسلامی

رَبِّ اشْرَخِي صَدْرِي ○
وَسَيْرُ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عَقْدَةً
مِنْ لَّسَانِي ○ يَفْقِهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه کره !
او زما امر (درسالت) را ته آسان کره ! او زما
له زی خخه غوته پرانیزه ! چې (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهه بیوی."

فبروری 2018

ربيع الثاني 1438

شماره دوصد و چهل پنجم

پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت

خطاطات ایمانی

فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف نیز در جد دوم
با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - پیوند نسبی
داشت. (1)

علی بن ابی طالب - رضی الله عنہ . باسم کنیه (ابو
الحسن) یاد می شد و رسول الله - صلی الله علیه
وسلم - باری علی - رضی الله عنہ - را به کنیه جدیدی
خطاب کردند و آن (ابو تراب) بود و این نام نزد علی
بن ابی طالب - رضی الله عنہ - محبوبیت خاص داشت
و وجه تسمیه این کنیه چنان بود که روزی رسول الله -
صلی الله علیه وسلم - علی - رضی الله عنہ - را در
گوشه ای از مسجد مبارک شان در حالت خواب
عمیق دیدند و نشانه های گرد و خاک بر خسار و
اندام علی دیده می شد ، پیامبر مهربان در کنار سر
علی نشسته در حالیکه خاک و گرد سرو روی او را
پاک می کردند علی را بیدار کردند و
فرمودند: (بنشین که تو ابو تراب شدی) از آن به بعد
علی - رضی الله عنہ - این نام (ابو تراب) را که از زیان
مبارک رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - و در حالت
خاصی شنیده بود بسیار دوست داشت و می خواست
که هر کس او را به (ابو تراب) خطاب نماید .

علی بن ابی طالب - رضی الله عنہ - ده سال قبل از
بعثت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - (600)
میلادی در مکة المکرمة تولد یافت و ده ساله بود که

بسم الله الرحمن الرحيم

(8)

اسد الله الغالب

علی بن ابی طالب - رضی الله عنہ —
(فسمت اول)

«أنت أخي في الدنيا والآخرة» حديث شريف
هنگامیکه رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در روزهای
اول بعد از هجرت شان از مکة المکرمة به مدینه منوره
میان مهاجرين و انصار عقد مؤاخاة (پیمان برادری)
عقد مینمودند ، علی بن ابی طالب - رضی الله عنہ -
انتظار داشت تا بداند برادر او که خواهد بود ؟ رسول
الله - صلی الله علیه وسلم - خطاب به علی بن ابی طالب -
رضی الله عنہ - فرمودند : (أنت أخي في الدنيا والآخرة -
ای علی ! تو در دنیا و آخرت برادر من هستی) .
علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف
با رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در جد اول شان
پیوند نسبی دارد و فرزند عم رسول الله - صلی الله علیه
وسلم - است . مادر علی بن ابی طالب - رضی الله عنہ -

علی بن ابی طالب /

با فطرت سلیم و پاک بدون سابقه شرک بحیث اولین طفل مؤمن در منزل رسول اکرم. صلی الله علیه وسلم. به عقیده و دین مبین اسلام مشرف گردید (کرم الله وجهه) رضی الله عنه (هنگام هجرت رسول الله). صلی الله علیه وسلم. از مکه به مدینه علی بن ابی طالب. رضی الله عنه. بیست و سه سال داشت ، در سالی که رسول اکرم. صلی الله علیه وسلم. رحلت فرمودند علی بن ابی طالب. رضی الله عنه. سی و سه ساله بود ، علی بن ابی طالب. رضی الله عنه. در شصت و سه سالگی یعنی به عین عمر رسول اکرم. صلی الله علیه وسلم. و عمر ابوبکر صدیق و عمر رضی الله عنهم . به شهادت رسید.

علی، پروردۀ ادبگاه و حی :

ابو طالب کاکای رسول الله. صلی الله علیه وسلم. و پدر علی . رضی الله عنه . از بزرگان زعمای قریش بوده ، کفالت محمد مصطفی. صلی الله علیه وسلم. را بعد از هشت سالگی و حمایت و دفاع از رسالت و شخصیت رسول اکرم. صلی الله علیه وسلم. را بعد از بعثت شان به عهد داشت ، در عین حال ابو طالب شخص فقیر و دارای اولاد زیاد بود و رسول الله. صلی الله علیه وسلم. خواست که به پاداش گذشته و کمک به کاکایش یکی از اولاد او را در منزل خود و مانند فرزند خود تربیه نماید ، آن طفل مبارک و مسعود که در سایه عنایت و رحمت محمد مصطفی. صلی الله علیه وسلم. و در ادبگاه و حی پرورش یافت علی بن ابی طالب بود ، علی در منزل نبوت به مدارج عالی مکارم اخلاق رسید ، عفت زبان ، عقیده راسخ ، نیروی عزیمت ، دانش وسیع و فقه دقیق ، رأی سدید و زیبائی فصاحت و بلاغت را در مدرسه رسول الله . صلی الله علیه وسلم . کسب نمود ، علی به آثار جاهلیت آلوده نشد و هیچگاه به پیشگاه کدام بت سرخ نکرد و نخستین باری که سر برزمین نهاد سجده به بارگاه پروردگار و خالق او بود که به پیروی از رسول

اکرم. صلی الله علیه وسلم. و در اثر ایمان و تصدیق رسالت او در کنار رسول الله. صلی الله علیه وسلم. ایستاده شد و نماز برپا داشت (تشریع نماز های پنجگانه در سال دهم رسالت نازل شده و قبل از آن رسول الله . صلی الله علیه وسلم . به اساس بقایای دیانت و شریعت ابراهیمی . علیه السلام . در آغاز و انجام روز دو رکعت نماز ادا میکردند).

علی بن ابی طالب . رضی الله عنه . نخستین طفل مؤمن و دومین شخص مؤمن بعد از ام المؤمنین خدیجه کبری در صبح اول بعثت رسول اکرم. صلی الله علیه وسلم . بود ، شخص سوم (زید بن حارثه . رضی الله عنه .) خادم رسول الله. صلی الله علیه وسلم . بود که مانند علی . رضی الله عنه . در منزل رسالت زندگی داشت ، اولین شخص که از بیرون منزل داخل ایمان و عقیده اسلامی گردید دوست و رفیق ایام طفولیت آنحضرت . صلی الله علیه وسلم . ، ابوبکر صدیق . رضی الله عنه . بود و این چهار مؤمن اول : یک زن ، یک طفل ، یک غلام یا خادم ، یک مرد در واقع تمام اصناف جامعه بشری را تمثیل می نمود و به اینصورت شمولیت و جهانی بودن اسلام از صبح اول آن آغاز میابد .

فقط یک روز از آغاز رسالت گذشته بود ابو طالب به منزل رسول الله. صلی الله علیه وسلم . وارد شد و دید که پسرش (علی) در کنار پیامبر اکرم. صلی الله علیه وسلم . به ادای نماز پرداخته است ، ابو طالب خطاب به علی گفت : ای پسرک ! این چه آینینی است که تو به آن گرویده ای ؟ علی گفت : ای پدرم ! من برسول الله . صلی الله علیه وسلم . ایمان آوردم و رسالت او را تصدیق کردم و به معیت او خاص برای الله . عزوجل . نماز برپا داشتم و او . صلی الله علیه وسلم . را پیروی نمودم . ابو طالب گفت : او (محمد . صلی الله علیه وسلم .) ترا به جز خیر به چیزی دگری

علی بن ابی طالب /

دعوت نمی کند ، پس در کنار او و تابع دستور او باش . زندگی در سایه وحی و مشاهده جلال و جمال و عظمت آیات کریمه قرآن عظیم الشأن در تکوین شخصیت و ساختار فکری علی بن ابی طالب بحدی اثر گذار بوده است که علی خویشتن را بعد از پیامبر اکرم . صلی الله علیه وسلم . نزدیکترین شخص به اصول و اسرار قرآن کریم میدانست و همواره می گفت : از من بپرسید و آنچه در مورد کتاب الله خواسته باشید از من بپرسید ، به الله قسم هیچ آیتی از آیات کتاب خداوند نازل نشده است مگر اینکه من میدانم نزول آن در شب بوده یا در روز . (خلفاء الرسول ، خالد محمد خالد) .

واقعاً علی بن ابی طالب . رضی الله عنہ . شاگرد ممتاز مدرسهٔ قرآن و پروردۀ ادبگاه وحی بود .

موقف محبت ، امانت و فداء در شب هجوت :

هجرت رسول اکرم . صلی الله علیه وسلم . از مکة به مدینه یک عهد جدید و سرآغاز تحول عظیم در مسیر دعوت اسلامی و قائم تاریخ اسلام محسوب میگردد ، پلان هجرت به صورت سری از جانب رسول الله . صلی الله علیه وسلم . طرح و تطبیق شد و دسیسۀ مشرکین مکه و دشمنان اسلام چنان بود که شخص محمد مصطفی . صلی الله علیه وسلم . بزعم آنها از میان برداشته شود و جمعی از جوانان مشرکین از طرف شب دسته جمعی در منزل شان و یا هنگام خروج از منزل طوری به قتل برسانند که حتی قاتل و قبیله او نیز شناخته نه شود (تدبیر شیطانی در برابر محبوب و محفوظ ربانی) . در شبهی که به اجرای این دسیسۀ تعیین شده بود در عین همان شب امر هجرت رسول اکرم . صلی الله علیه وسلم . از جانب پروردگارش صادر می شود ، در حالتی که گروه جوانان مشرکین منزل مبارک پیامبر اکرم . صلی الله علیه وسلم . را احاطه نموده اند رسول الله . صلی الله علیه وسلم . از منزل خارج شده و راه هجرت را آغاز میفرمایند ، و سوء قصد کنندگان به فحوای آیه مبارکه (و جعلنا من بین أئدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا يبصرون - یس : 9) ، و ما در پیش روی آنان و نیز در پشت سرشان سدی قراردادیم و بر چشمان شان

پرده افگندیم پس آنها نمی بینند) همه کور شدند و پیامبر اکرم . صلی الله علیه وسلم . براه قبلاً تعیین شده حرکت کردند ، اما قبل از خروج رسول الله . صلی الله علیه وسلم . در داخل منزل شان تدبیر سیاسی عجیب اتخاذ فرمودند که ابعاد غیر عادی مملو از محبت و اعتماد بزرگ از یکطرف و محبت و فدائیت عجیب از جانب دیگر دارد ، رسول الله . صلی الله علیه وسلم . به منظور اغفال مشرکین به اینکه منزل خالی نیست و خودشان تشریف دارند محبوب‌ترین فرزند خانواده شان (علی بن ابی طالب) را امر میفرمایند که در آن شب در بستر رسول اکرم . صلی الله علیه سلم . استراحت کند ، علی دیده است که در بیرون منزل چه میگذرد اما او یک لحظه فکر نمی کند که شاید حیات او در خطر افتاد ،

رسول الله . صلی الله علیه وسلم . به علم نبوی میدانست که به علی آسیبی نمیرسد در غیر آن چطور ممکن بود که حیات جوانی را که در مقام فرزند شان بود در خطر اندازند ، ولی در نظر علی امر رسول اکرم . صلی الله علیه وسلم . بالاتر از قیمت جان او است .

علی بن ابی طالب . رضی الله عنہ . در بقای خود در منزل پیامبر معظم و عدم همراهی با ایشان در هجرت وظیفه بس مهم و عجیب دگری را به امر رسول الله . صلی الله علیه وسلم . به عهده داشت و آن اینکه اموال و اماناتی از مشرکین و اهل مکه جهت محافظت آن نزد رسول الله . صلی الله علیه وسلم گذاشته شده بود ، آن امانات با اسمای صاحبان آن به علی بن ابی طالب سپرده شد تا در غیاب امین صادق رسول اکرم . صلی الله علیه سلم . به صاحبان آن اعاده گردد ، عجب آن نیست که امین بزرگ و بی نظیر ، امانات دشمنان خود را در حالیکه قصد قتل شانرا داشتند دوباره به صاحبان آن برساند ، عجب آن است که مشرکین تا چه پیمانه به امانت و صداقت آن محمد امین اعتماد داشتند و اماناتی را که خود از محافظت آن عاجز بودند نزد ایشان میگذاشتند و با آنهم دشمنی و عدم باور به رسالت شانرا تا سرحد قتل شان پیش بردنند .

علی بن ابی طالب /

جانب دیگر این رویداد اعتماد بزرگ رسول اکرم. صلی اللہ علیہ وسلم . به علی بن ابی طالب . رضی اللہ عنہ . است اماناتی را که شخصاً مسئولیت حفظ و اعادہ آنرا به عهده داشتند عین آن عهده بزرگ را به امانتدار خود شان علی بن ابی طالب . رضی اللہ عنہ . تفویض فرمودند . علی آن امانات را در خلال سه روز به صاحبان آن تسلیم داد و خودش به تنها ئی راه هجرت در پیش گرفت و در آخرین ایستگاه هجرت (قبا) به پیشوای بزرگ و محبوب خود رسول اکرم . صلی اللہ علیہ وسلم . پیوست و با معیت ایشان وارد دارالهجرة و مدینة الرسول . صلی اللہ علیہ وسلم . گردید .

مثال فقه دقیق و قضای عالی :

علی بن ابی طالب . رضی اللہ عنہ . در میان اصحاب رسول اللہ . صلی اللہ علیہ وسلم . دارای مقام علمی بزرگ و فقه دقیق و رأی سدید و قدرت قضای عالی شناخته شده بود و صحابه کرام در اکثر مسائل و مشکلات علمی به علی . رضی اللہ عنہ . مراجعه مینمودند و علی مرجع فتوی و حل مشکلات شرعی و قضائی بود .

باری رسول اکرم . صلی اللہ علیہ وسلم . علی بن ابی طالب . رضی اللہ عنہ . را بحیث قضایی به یمن فرستادند تا در مسائل ذات البینی مردم مطابق احکام فقه شرعی فیصله های قضائی صادر نماید .

از مواردی که در آن علی بن ابی طالب . رضی اللہ عنہ . در یمن حکم قضائی صادر نموده قضیه عجیبی ذکر شده است : چهار نفر در کنار حفره (گودال بزرگ) که به منظور شکار و حفاظت شیر حفر شده بود و یک شیر درنده نیز در میان آن وجود داشت ایستاده بودند ، یکی از آنها در آن گودال سقوط کرد و هنگام سقوط به نفر دوم دست انداخت تا به اتکای وی سقوط نکند اما نفر دوم نیز بی موازنہ شد و در حالت سقوط نفر سوم را گرفت و وی هم در حالت سقوط به نفر چهارم دست برد و در نتیجه هر چهار نفر در آن گودال بزرگ سقوط نمودند و قربانی شیر درنده شدند . واقعه مرگ این چهار نفر موجب اختلاف میان قبائل و اولیای متعلق به هر کدام آنها گردیده و عنقریب

جنگ و فتنه میان آنها رخ میداد ، علی بن ابی طالب . رضی اللہ عنہ . اطراف قضیه را احضار نموده گفت : من در میان شما به ارتباط مرگ این چهار نفر حکم می کنم ، هر گاه به فصله من قناعت داشتید قضیه خاتمه میابد و اگر موافق نبودید شما را از ایجاد فتنه و اختلاف با یگدیگر باز میدارم تا وقتیکه بحضور رسول اللہ . صلی اللہ علیہ وسلم . حاضر شوید و ایشان حکم فرمایند .

حکم قضائی علی بن ابی طالب – رضی اللہ عنہ :
دیة‌ی خون‌بهای هر چهار قتل بر ذمۃ قبائلی است که این گودال را حفر نموده اند و به این ترتیب : ربع یک خون بها ، ثلث یک خون بها ، نصف یک خون بها . و یک خون بهای کامل .

کسیکه اول سقوط نموده و سبب سقوط سه نفر دیگر شده است دیة‌ی خون‌بهای او ربع دیة است ، به نفر دوم ثلث دیة تعلق می گیرد و از دو ثلث محروم می شود به خاطریکه سبب قتل دو نفر شده است ، خون‌بهای نفر سوم نصف دیة است چون یکنفر بخاطر او به قتل رسیده است اما نفر چهارم دیة یا خون‌بهای کامل را مستحق می شود بخاطریکه سبب قتل کسی دیگر نبوده است ، صحابان حفره یا گودال خون‌بهای این چهار نفر را مطابق تفصیل فوق به ورثه مقتولین تادیه می کنند .

طرف های قضیه به فیصله علی . رضی اللہ عنہ . قناعت نکردند و بحضور رسول اللہ . صلی اللہ علیہ وسلم . مراجعته نمودند و هنگامیکه تفصیل واقعه و نوع حکم قضائی را به پیشگاه آنحضرت معروض داشتند رسول اکرم . صلی اللہ علیہ وسلم . قضای علی . رضی اللہ عنہ . را منظور فرمودند و گفتند : علی بهترین قاضی امت من است .

1 - به عرف جامعه عربی قبل از اسلام نام شهرت و نام اصلی اشخاص باهم فرق داشت و به همین اساس : نام اصلی ابی طالب : عبدمناف بن عبدالمطلب بود . و نام اصلی عبدالمطلب : شیبیه بن هاشم بود . و نام اصلی هاشم : عمرو بن عبدمناف بود . و نام اصلی عبدمناف : المغيرة بن قصی بود . (فضائل الصحابة . امام احمد بن حنبل ، جلد 1 و ابن کثیر . البداية و النهاية) . ادامه دارد /

استاد عبدالعلی نور احراری

كتب اربعه حدیث چون نسایی ، و ترمذی و ابو داود و ابن ماجه اعتبار می دهند .

حالاتی پردازیم به اصل موضوع :

حدیث « لا صلاة لمن لم يقرأ بفاتحة الكتاب » يعني « نماز کسی که سوره فاتحه - الحمد لله . را نخواند نماز نیست » این حدیث نظر به اینکه در صحیح البخاری به شماره (756) و صحیح مسلم به شماره (394) آمده در حد اعلى صحت قرار دارد .

در کتاب « بدایة المجتهد » اثر معروف علامه ابن رشد قرطبی در جلد دوم آمده است : سبب اختلاف در این مسأله در اختلاف احادیث است و آن چهار حدیث است :

اول قول پیامبر صلی الله علیه وسلم « لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب » يعني « نماز نیست جز با خواندن فاتحة الكتاب » مراد از آن - الحمد لله رب العالمين » است .

دوم - آنچه مالک از ابو هریره روایت کرده است : آنگاه که رسول الله صلی الله علیه وسلم از نماز جهر که در آن قرائت می شود فارغ شد . فرمود : « آیا همین اکنون کسی با من قرائت می کرد ؟ » مردی گفت : بلی ، من ، یا رسول الله . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : « من می گوییم : برایم سزاوار نیست که با قرآن منازعه کنم » « سپس مردم از قرائت با رسول الله صلی الله علیه وسلم در نماز جهر پایان دادند .

الموطاً - امام مالک - حدیث شماره 44 -

سوم : حدیث عبادة بن صامت که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز خفتن را به ما گزارد قرائت بروی سنگینی کرد آنگاه که از نماز فارغ شد فرمود : « شما را دیدم که به عقب امام قرائت میکردید » ما گفتیم : بلی . فرمود : « این کار را نکنید بجز از (خواندن) ام القرآن » یعنی سوره فاتحه .

این حدیث را امام احمد و ابو داود و ترمذی و ابن حبان و سائرین روایت کرده اند .

القراءات خلف الامام

« القراءات مقتدى به عقب امام »

مبحث فوق در همه کتب حدیثی و فقهی آمده است و در این مورد فقهاء و امامان مذاهب اختلاف نظر دارند . دلیل این اختلاف در احادیثی است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است برخی از این احادیث در اعتبار و صحت خود نظر به دلایلی از جمله جرح و تعدیل راوی زیر سؤال بوده شده و در آن شک کرده اند . گفتنی است که تا زمان حیات امامان چهار مذهب اهل سنت ، کتبی که احادیث صحیح را از ضعیف تفکیک نماید تألیف و تدوین نشده بود و پس از آن امام بخاری ، کتاب صحیح البخاری و امام مسلم کتاب صحیح مسلم را تألیف نمودند که احادیث صحیح را از احادیث ضعیف و موضوعی تفکیک و تمیز نمودند . بنابر این قبل از آن امامان مذاهب به بعضی از احادیث ضعیف نیز استناد کرده اند .

از جانب دیگر ، دسترسی کامل به سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز امری ناممکن بوده و هر یک از صحابه یا صحابیات به اندازه توان خود سنت را درک نموده و به نسل بعدی انتقال داده اند ، و فقها همچنان توانسته اند که به همه احادیث انتقال یافته ، دسترسی پیدا کرده و در مسائل شرعی و استنباط احکام از آن استفاده نمایند .

مسأله دیگر اهمیت کتب حدیث از نظر صحت احادیث است ، اتفاق نظر به آن است که احادیثی که امام بخاری و امام مسلم هر دو آن ها را روایت کرده و در کتب شان آورده اند ، حد اعلى صحت را دارد و پس از آن احادیثی است که امام بخاری بطور انفرادی روایت کرده و امام مسلم روایت نکرده است و پس از آن احادیثی است که امام مسلم بطور انفرادی روایت کرده است ، و بعد به

قرائت /

چهارم - حدیث جابر از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم که فرمود : «من کان له امام فقراء ته له قراءة» یعنی «کسی که او را امام باشد ، قرائت امام قراءات اوست.»

این حدیث از جابر ، و عبدالله بن عمر ، و ابو سعید خدری و ابو هریره و عبدالله بن عباس و عبدالله بن مسعود و انس و علی بن ابی طالب ، و از شعبی بطور مرسل روایت شده است. حدیث مذکور در سنن ابن ماجه به شماره (850) در باب 13 - اذا قرأ الإمام فأنصتوا » « وقتی که اما قراءات می کند شما خاموش باشید» آمده است.

در سند یا سلسله روایان این حدیث گفته اند که اسم جابر الجعفی ذکر شده و او متهم به کذب است در باره صحت و سقم این حدیث در حاشیه ذیل صفحه 316 بدایه المجتهد و نهایه المقتصد « به تفصیل سخن رفته است. ابن رشد در باره این مسأله گفته است :

اول : مقتدى در عقب امام در نماز های سری (پیشین و عصر) سوره فاتحه را بخواند و در نماز های جهری (صبح و شام و خفتن) سوره فاتحه را نخواند و این نظر مالک است.

دوم - مقتدى در عقب امام در هیچ نمازی چه سری و چه جهری سوره فاتحه را نخواند و این نظر ابو حنیفه است. سوم - مقتدى در نماز سری سوره فاتحه و غیر آن را بخواند و در نماز های جهری فقط سوره فاتحه را بخواند و این نظر شافعی است. و اما فرق نهادن میان مقتدى که قرائت امام را می شنود و یا نمی شنود نظر امام احمد حنبل است.

شیخ قاسم الشماعی الرفاعی شارح صحیح البخاری در ذیل حدیث « لا صلاة لمن لم يقرأ بفاتحة الكتاب » نوشته است :

خواندن سوره فاتحه در هر رکعت فرض است چه نماز گزار به تنهایی نماز گزارد یا امام باشد یا مقتدى ، چه نماز جهری باشد و چه سری . خواندن سوره فاتحه در نماز نزد شافعیه

رکن می باشد و همچنان در روایت مشهور نزد مالکیه به دلیل قول پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم : « این کار (خواندن فاتحه) را در هر رکعت نماز خود انجام بده ».

خواندن فاتحه نزد حنیفه در هر رکعت واجب می باشد و ترک آن گناه است اما نمازوی جواز دارد با خواندن آیه کوتاه قرآن « مدھامتان » صاحبان ابو حنیفه گفته اند : یک آیت دراز و یا سه آیت کوتاه . و در دو رکعت اول قراءت را فرض دانسته اند و نه در دو رکعت اخیر و در آن سوره فاتحه خاص شده است که اگر در این دو رکعت بعد از فاتحه تسبيح گفته شود و یا ساكت بماند نماز جواز دارد .

و آنانی که خواندن سوره فاتحه را در نماز از مقتدى بصورت قطع ساقط می دانند ، حنفی ها می باشند و دلیل شان این حدیث است : « من صلی خلف امام فقراءات الإمام له قراءة » کسی که عقب امام نماز می گزارد قراءت امام ، قراءت او می باشد ». اما در فتح (فتح الباری) گفته شده که این حدیث نزد حافظان حدیث ضعیف است . و آنانی که خواندن سوره فاتحه را در نماز جهری یه ساقط می دانند به حدیث « إذا قرأ فانصتوا » « به هنگام قراءت خاموش باشید » که در کتاب صحیح مسلم آمده است .

در حالی که این دلالت نیست استناد کرده اند زیرا بین دو امر جمع نمی شود لفظ پس خاموش باشید ، بجز از خواندن فاتحه است . یعنی « خاموش باشید » وقتی که امام قراءت می کند و بخوانید وقتی که امام ساكت است . در کتاب « هدایه حامل المتن بدایه » کتاب معروف در

فقه حنفی در ترجمه فارسی آن گفته شده :

باید دانست که خواندن سوره فاتحه رکن نماز نیست نزد علمای ما (رح) و همچنین ضم سوره و شافعی (رح) می گوید که خواندن سوره فاتحه رکن نماز است . مالک (رح) می گوید که ضم سوره نیز رکن نماز است و دلیل شافعی (رح) این است که پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم فرموده است که نماز متحقق نمی شود مگر به سوره فاتحه و دلیل

قرائت /

امام مالک (رح) این است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده است که نماز متحقق نمی شود مگر به سوره فاتحه و یک سوره دیگر . دلیل علمای ما (رح) این است که خدای تعالی در قرآن مجید فرموده است که بخوانید آنچه میسر شود از قرآن ، پس از این معلوم شد که خواندن مطلق قرآن در نماز فرض است و تخصیص سوره فاتحه و ضم سوره دیگر به آن فرض نیست . و زیاده کردن فرضیت این چیز ها بنابر حدیث های مذکوره جایز نیست ، زیرا چه آن حدیث ها حدیث احاد است ، ولیکن عمل کردن بر حدیث احاد واجب است ، لهذا علمای ما (رح) گفته اند که خواندن سوره فاتحه و ضم سوره دیگر به آن واجب است . در نماز فرض . ختم ترجمه هدایه .

در برآورده میکردند سوره با سوره فاتحه در نماز

در صحیح البخاری در حدیث شماره (772) آمده است:

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: «در هر نماز قراءت کرده می شود (یعنی قراءت فرض است) و من آنچه را رسول الله علیه وسلم بر ما شنوانیده است بر شما می شنوانم و آنچه را پنهان داشته است از شما پنهان می دارم . اگر در خواندن سوره فاتحه بر نماز نیفرایی همان تورا بسنده است و اگر بیفزایی ، آن تورا بهتر می باشد »

در برآورده این حدیث در شرح شیخ الاسلام گفته شده:

نظر به ظاهر این حدیث ، ضم سوره به سوره فاتحه مستحب است ، چنانکه شافعیه گفته اند ، و نزد حنیفه واجب است . و مطلق قرائت را نظر به آیه «فأقرعوا ما تيسّر مع القرآن» فرض کرده اند .

امام ابن حزم ظاهري ، در کتاب «المحلی شرح المجلی» در

این باره می نویسد:

اصحاب ما (بزرگان مکتب ظاهري) در این مورد اختلاف دارند:

گروهی می گویند : بر مقتدى قراءت سوره فاتحه فرض است ، چه نماز جهری باشد یا سری گروه دیگر بر این نظر اند که قراءت سوره فاتحه بر مقتدى خاصتا در نماز سری فرض است و در نماز جهری مقتدى سوره فاتحه را نخواند .

ابن حزم می گوید: کسانی که قراءت سوره فاتحه را فرض نمی دانند به این آیه مبارکه استناد کرده اند: «فأقرعوا ما تيسّر من القرآن» (المزمول: 20) «بخوانید آنچه آسان است از قرآن» و

همچنان به این گفته رسول الله صلی الله علیه وسلم استناد کرده اند که به کسی اعاده نماز را به او امر نمود فرمود: «إقرأ ما تيسّر من القرآن» «بخوان آنچه آسان است بر تو از قرآن»

ابن حزم گفته است: مراد از آنچه آسان است از قرآن همان سوره فاتحه است و کسی که به نخواندن سوره فاتحه به عقب امام در نماز جهری حجت می آورد به این آیه استناد می کند: « و اذا قرئ ء القرآن فاستمعوا و انصتوا لعلكم ترحمون» (اعراف: 204) «و هرگاه قرآن خوانده شود به آن گوش فرا دهید و خاموش باشید ، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید » ابن حزم می گوید که به ادامه آیه مذکور آیه بعد به این عبارت است « و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفة و دون الجھر من القول بالغدو و الاصال و لا تکن من الغافلين » (اعراف: 205) « و پروردگارت یاد کن در دلت به زاری و بیم و بدون صدای بلند از قول ، در وقت بامداد و شبانگاه ، و از غافلان مباش ». این حزم می گوید که اگر آیت اول در مورد نماز باشد آیت دیگر آن نیز باید در مورد نماز باشد و اگر آخر آن در مورد نماز نباشد ، پس اول آن نیز در مورد نماز نمی باشد و در آن نیست مگر امر به یاد کردن سری و ترک جهری فقط .

ابن حزم می گوید: در مورد این که حدیث این اکیمه که از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که فرمود: « ما لی أنانج القرآن .. » « آیا کسی از شما با من قرائت می کرد » مردی گفت: بلی یا رسول الله . رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: مرا شایسته نیست که با قرآن منازعه نمایم سپس مرد به قراءت در نماز جهری پایان دادند .

این حدیث از قول زهری روایت شده که امام مالک در «الموطاً» آورده است . ابن حزم میگوید که این حدیث را این اکیمه منفرد را روایت کرده و گفته اند که وی راوی مجهول است اگر این حدیث به صحت هم می رسید ، حجت نمی شد زیرا احادیث را واجب است که یکی ضم دیگر شود و حرام است که یکی دیگری را ضربه زند زیرا آنچه را رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته است همه حق است و یکی دیگری را تصدیق می کند . ادامه بحث بیش از این در این مقاله نمی گنجد /

می‌گوید: ای کاش! به من هم نعمتی مانند نعمتی که به فلانی عطا شده است، ارزانی می‌شد. در آن صورت، من هم مانند او انفاق می‌کرم.

با تفکر در آیات قرآن پاک و احادیث رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم که در بالا ذکر شد، میزان معرفت مسلمان بالا می‌رود و ایمان وی قوت بیشتر پیدا می‌نماید. بناءً اگر شخصی حسادت می‌نماید و زوال نعمت شخصی دیگری می‌خواهد، و بخاطر از بین بردن آن تلاش می‌نماید و شب و روز در فکر توطئه و سنجیدن پلان می‌باشد، باید بداند که در حقیقت در مقابل اراده ای خداوند ایستاده گی می‌نماید؛ فراموش کرده است که سرچشممه‌ی همه کارها در قدرت خداوند لایزال است.

فی ظلال القرآن

خواهر گرامی از لندن در مورد فی ظلال القرآن سؤال نموده می‌فرماید که عده در لندن مسلمانان را از خواندن این تفسیر به دلیل اینکه گمراه کننده است منع می‌نمایند.

جواب: فی ظلال القرآن یکی از بهترین تفاسیر بشمار می‌آید و استاد بزرگوار جناب راشد سلجوqi آنرا به دری ترجمه نموده اند. شهید سید قطب کتاب خود را بنام «در سایه قرآن» یاد کرده نه بنام تفسیر قرآن کریم. بعد از انقلاب عسکری خونین در مصر و حمایت زمامداران فاسد عرب از این انقلاب علمای سلطه مردم را از خواندن این تفسیر منع کرده اند و این منع سیاسی است نه منع علمی.

ادامه نشرات فقه اسلامی به همکاری و کمک مادی و معنوی شما خواهان و بادران گرامی ارتباط دارد.
امید است صدقات خود را به نیت خیر به آدرس فقه اسلامی فرستاده داخل اجر شوید.

بوای نشرات سال 2018 به کمک ضرورت است

آدرس فقه اسلامی

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104

Fremont , ca 94539
U.S.A

Tel (510) 979 – 9489

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

قاری میرزا هد «لندن»

غبطه خوردن در علم و حکمت

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ (رض) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي أَثْنَيْنِ: رَجُلٌ أَتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَسُلْطَانًا عَلَى هَلْكَتِهِ فِي الْحَقِّ، وَرَجُلٌ أَتَاهُ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فَهُوَ يَقْضِي بِهَا وَيَعْلَمُهَا». (بخاری: 73)

ترجمه: از عبد الله بن مسعود (رض) روایت است که نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «غبطه جایز نیست مگر در دو مورد. یکی، شخصی که خداوند به او مال و ثروت داده و به او همت بخشیده است تا آن را در راه خدا خرج کند. دوم، کسی که خداوند به او علم و معارف شرعی عنایت فرموده و او از علم خود، دیگران را بهرهمند می‌سازد و با عدالت، قضاؤت می‌کند».

غبطه خوردن به قاری قرآن

1794. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض): أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي أَثْنَيْنِ: رَجُلٌ عَلِمَ اللَّهُ الْقُرْآنَ، فَهُوَ يَتَلَوَّهُ آنَاءَ اللَّيْلِ وَأَنَاءَ النَّهَارِ، فَسَمِعَةُ اللَّهِ الْقُرْآنَ، فَقَالَ لَيْتَنِي أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتَيْتَ فُلَانٌ فَعَمِلَتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ. وَرَجُلٌ أَتَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَهُوَ يَهْلِكُهُ فِي الْحَقِّ، فَقَالَ رَجُلٌ لَيْتَنِي أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ فُلَانٌ فَعَمِلَتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ». (بخاری: 5026)

ترجمه: ابو هریره (رض) می‌گوید: رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: « فقط در مورد دو نفر، می‌توان غبطه خوردن نخست، مردی که خداوند به او قرآن، آموخته است و او آنرا شب و روز، تلاوت می‌کند. پس همسایه‌اش می‌شنود و می‌گوید: ای کاش! به من نعمتی مانند نعمتی که به فلانی عطا شده است، ارزانی می‌شد. در آن صورت، من هم مانند او قرآن تلاوت می‌کرم.

و دیگر، مردی که خداوند به او ثروت، عنایت کرده است و او آنرا در راه خدا انفاق می‌کند. پس شخص دیگری

¹ ریاض الصالحین حدیث شماره 66
² ریاض الصالحین حدیث شماره 1794